



تفکر باعث مبارزه با خرافات و عقاید سخیف و خارج از دین می شود

یکی از هدف های قرآن در دعوت مردم به تفکر، تشویق به آموزش و افزایش سطح دانش آنهاست تا بتوانند در بستری از علم و دانش عقاید خود را مطرح و با خرافات و عقاید سخیف و خارج از دین مبارزه کنند.

خبرگزاری مهر - یکی از هدف های قرآن در دعوت مردم به تفکر، تشویق به آموزش و افزایش سطح دانش آنهاست تا بتوانند در بستری از علم و دانش عقاید خود را مطرح و با خرافات و عقاید سخیف و خارج از دین مبارزه کنند. آیا قرآن روش خاصی برای مبارزه با خرافات دارد؟ ویژگی های قرآن در طرح عقاید منطقی و مبارزه با عقاید سخیف چیست؟ در این زمینه قرآن کریم از چند جهت به پیشگیری از عقاید سخیف می پردازد: در بخش قبلی این نوشتار 1- نهادینه کردن تدبر و تفکر در عقاید و 2- آزادی اندیشه به عنوان دو راهکار قرآنی تشریح شد. در ادامه این مباحث به اهتمام به علم و دانش پرداخته می شود.

3- اهتمام به علم و دانش

بدون شک، رواج علم و منطق علمی تأثیر بسزایی در خرافه زدایی دارد. پس از اندیشیدن، تشویق به کسب علم در مبارزه با خرافات اهمیت بسیار دارد. این اهمیت از آموزه های اساسی قرآن هم به دست می آید. عقل با چراغ علم رونق می گیرد. عقاید صحیح و منطقی در تعامل عقل و منطق علمی حاصل می گردد. بخشی از آیات قرآن کریم، آیاتی هستند که تشویق به کسب علم و دانش می کنند و بخشی دیگر آیاتی هستند که به هنگام طرح عقیده به استدلال می پردازند.

در آیات بسیاری بر اهمیت علم و دانش تأکید شده است، از آن جمله اشاره به ارجمندی علم است: خداوند صاحبان دانش را بلندمرتبه قرار داده است. قرآن کریم، حضرت داوود (ع) و سلیمان (ع) از پیامبران بزرگ را به دلیل اعطای علم بر بسیاری از بندگان خدا برتری می دهد و حتی در تعبیری به مقایسه دانایان و نادانان می پردازد و می فرماید: «آیا آنان که می دانند و آنان که نمی دانند یکسان هستند.« (آیه 9 سوره زمر)

یکی از هدف های قرآن کریم در دعوت مردم به تفکر، تشویق به آموزش و افزایش سطح دانش آنهاست تا بتوانند در بستری از علم و دانش عقاید خود را مطرح و با خرافات و عقاید سخیف و خارج از دین مبارزه کنند. آیات 22 سوره انفال، 19 سوره رعد، 9 سوره زمر، 269 سوره بقره و 54 سوره حج و 28 سوره فاطر به این موضوع می پردازند.

در تمام این آیات، اهمیت علم برای دستیابی به عقیده صحیح و ایمان آوردن و زدودن عقاید خرافی یادآوری شده است. بنابراین مبارزه با خرافات در سایه رشد و شکوفایی چنین فضایی در جامعه دینی مشخص می شود و اهمیت آن روشن می گردد، زیرا رواج علم و مکانت یافتن آن در پرتو تعظیم و احترام به اهل اندیشه و برخورد منطقی و علمی با افکار است که جای خرافه و غلو را تنگ می کند.

علم ارتباط یک طرفه نیست. بخش عظیمی از رونق علم با گفتگو، طرح عقاید گوناگون و تضارب آرا و خلاصه فرصت دادن به اهل نظر از هر عقیده و آرمانی است و اگر در اسلام به علم بها داده شده است، به این دلیل است که نگران عقیده دینی ارائه شده نبوده است و طرح عقاید مخالف را وسیله نقد اندیشه دینی و جلوگیری از عقاید باطل و ناسالم می داند.

پس اگر قرآن بر علم تأکید می کند، نمی توانسته به لوازم آن توجه نداشته باشد. هیچ دانشی بدون بحث و گفتگو و نقد و برخورد و رویارویی با نظر مخالف به رشد و کمال نرسیده است. از نمونه های واضح آن در حوزه معارف دینی، علم کلام و دفاع از عقیده است. بدون شک، علم کلام در سایه نقادی های وسیع و گسترده از سوی مخالفان دین و مذهب بالنده و تناور شده و قوت منطقی و علمی گرفته است. اگر نبود طرح آن شبهات و اشکالات، هرگز علم کلام به چنین مقام و موقعیتی نمی رسید.

جالب اینجاست که در هر زمان که این امکان و فرصت برای طرح و اشکال و نقد و بررسی به وجود نیامده علم دین هم به خمودی و رکود کشیده شده و از حالت عقلانی و منطقی خارج گردیده و تبدیل به تقلید و تکرار مکررات و رواج خرافات و غلوها گشته است.

به هر حال اهتمام اسلام به علم آموزی و تأکید قرآن بر نعمت نطق و بیان و شمارش این دو نیرو و منت گذاشتن بر انسان به اینکه خدای بخشنده، انسان را آفرید و به او سخن گفتن آموخت و یا اینکه سوگند یاد کردن به قلم همه و همه نشان می دهد که علم و

بیان در زندگی و استواری و عقلانیت و دوری از خرافات جامعه بشری سرنوشت ساز است و قدرت بیان و قلم از اموری است که می تواند فضای نقد و در نهایت تفاهم و نزدیکی میان افراد بشر را برقرار سازد و انسان ها را از مقاصد یکدیگر مطلع گرداند و اندیشه های آنها را در معرض بحث و انتقاد قرار دهد و اصطکاک افکار موجب روشن شدن حق و حقیقت و فیضان نور علم و معرفت و تکامل گردد، اندیشه های کج و معوج که با فضای شعاری یا دشمن تراشی های کاذب جایگاهی پیدا نمی کنند.

حال، چگونه اسلام می تواند درباره پیامدهای جهل و نادانی بی توجه باشد و بگوید مردم هرگونه که می خواهند زندگی کنند و در هر شرایطی زیست نمایند، اما عقیده درست و صحیح داشته باشند و با خرافات و عقاید منتسب به اسلام مبارزه کنند؟، البته این سخن معقول است که هر علمی خوشبختی و رشد و شکوفایی نمی آورد، اما علم از بی علمی بهتر است. باید عالمان را از آفت علم برحذر داشت، راهنمایی کرد و فکرها را جهت بخشید و پیروی از منطق را یادآوری کرد، یا از راه خود قلم و فکر به جنگ عقاید منحرف رفت، اما نمی توان قائل به بی تفاوتی و نفی علم شد.

اسلامی که به تقویت نیروی اراده افراد اهمیت می دهد و یکی از اهداف تربیتی انسان را رشد علم و اندیشه می داند، نمی تواند درباره تبادل افکار و مقایسه میان افکار و تعالی آن بی تفاوت باشد و اگر این گونه بود که علم تأثیری در سرنوشت اعتقادی نداشت، قرآن به جای این همه استدلال و توضیح و نقد مناظرات مخالف و تأیید شیوه پیامبر(ص) در امر تبلیغ، می بایست شیوه دیگری در پیش می گرفت و از اشکال مخالف جلوگیری می کرد و به پیامبر(ص) دستور می داد که اگر کسی به او مراجعه کرد و اشکالی مطرح نمود، یا منکر وحی و رسالت شد، به جای پاسخ دادن، مانع حرف زدن او باش و او را بزنج و بکش. در حالی که نه قرآن چنین دستوراتی داده و نه پیامبر(ص) چنین شیوه ای را برگزیده است، بلکه به عکس قرآن در جمله ای کوتاه در ضرورت برخورد منطقی می فرماید: 171#&؛و اگر درشت خوی سخت دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.'

راهیابی به وسیله علم، برای مبارزه با خرافات

از راه های مبارزه با خرافات، نشان دادن راه و وسیله راهیابی به علم است. هر علمی نمی تواند با خرافات مبارزه کند. پس از تشویق به کسب علم و دانش اندوزی، قرآن کریم به وسیله راهیابی به علم را نشان می دهد و در ابتدا می گوید از کسانی که ثباتی در علم پیدا کرده و به تعبیری طی طریق نموده و به سرمنزل مقصود رسیده اند، علم بیاموزید و پند بگیرید و از تجربیات ایشان بهره ببرید.

1- رسوخ علمی یکی از شرایط جامعه

2- پرسشگری ننگ نیست

3- از وظایف پیامبران علم آموزی است

خداوند در آیات 35 سوره یونس، 43 سوره نحل و 151 سوره بقره به این موضوع ها اشاره دارد.

استفاده از روش مقایسه و تطبیق

از روش های دیگر قرآن برای مبارزه با خرافات، مقایسه عقاید است. در شناخت عقاید صحیح و تشویق به فهم درست، بهره گیری از روش مقایسه و تطبیق بسیار راهگشاست. خداوند در آیه 17 و 18 سوره زمر به این امر اشاره دارد. امام علی(ع) هم در این باره می فرماید: 171#&؛حق به رجال شناخته نمی شود، حق را بشناس، اهل آن را هم خواهی شناخت.'